

تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران^(۱)

دکتر محمد رضا رضوانی - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران*

پذیرش مقاله: ۸۱/۸/۱۵

چکیده

با توجه به انواع، علل و پیامدهای روابط شهر و روستا در اطراف تهران، این روابط را می‌توان بیشتر براساس مدل حومه توجیه و تبیین کرد. بدین ترتیب که نواحی روستایی شمال و جنوب تهران متناسب با ویژگی‌ها و امکانات خود، به عنوان عرصه‌ای تکمیلی برای ایفای نقش‌های شهر تهران درآمده و یا به عبارتی دیگر، این شهر بخشی از کارکرد خود را به نواحی روستایی اطراف منتقل کرده است. بطور کلی، در نواحی کوهستانی شمال تهران عمدتاً کارکردهای تفریحی - فراغتی رواج یافته که شکل‌گیری و گسترش خانه‌های دوم از آثار آن می‌باشد و برعکس، در نواحی روستایی جنوب تهران کارکردهای متنوعی شامل سکوتی - خوابگاهی، صنعتی - کارگاهی و تأسیسات و تجهیزات گسترش یافته است. ایجاد و گسترش این کارکردها در نواحی روستایی طی چند دهه گذشته حرکتی خودجوش و در کلیت آن، فاقد هرگونه اقدام برنامه ریزی شده بوده و به همین دلیل آثار و پیامدهای نامطلوبی در زمینه‌های مختلف برجای گذاشته است؛ بطوری که کنترل و هدایت این تحولات در راستای توسعه پایدار و یکپارچه شهر و روستا در این ناحیه ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: روابط شهر و روستا، حومه‌نشینی فصلی، مدل حومه، مدل مکان مرکزی، مدل حوضه نفوذ، خانه‌های دوم،

تهران، نواحی روستایی

مقدمه

روابط و مناسبات بین سکونتگاهها و بویژه بین شهر و روستا که خود را عمدتاً به شکل جریان‌های جمعیت، کالا، سرمایه، عقاید، اطلاعات و نوآوری نشان می‌دهد، پدیده‌ای فضایی - مکانی و جغرافیایی بوده و شناخت، تبیین و کشف قانونمندی‌های کلی حاکم بر آن، در چهارچوب روابط متقابل انسان و محیط موضوعی جغرافیایی بوده و از اهمیت نظری و کاربردی ویژه‌ای برخوردار است. همچنین با توجه به نقش این روابط در فرایند تحولات و توسعه کانونهای

۱- این مقاله خلاصه یک طرح پژوهشی با همین عنوان است که در سال ۱۳۸۰ با استفاده از اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه تهران در دانشکده جغرافیا تهیه و اجرا گردیده است.

شهری و روستایی، علاوه بر بررسی انواع و علل روابط، شناخت آثار و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، و فضایی - کالبدی آن بر شهر و روستا و تلاش برای کاهش اثرات منفی این روابط در راستای ساماندهی آنها، زمینه ساز توسعه پایدار نواحی روستایی و شهری خواهد بود. نواحی اطراف تهران آزمایشگاه جالبی از روابط شهر و روستاست. در این ناحیه به دلیل فاصله نزدیک شهر و روستا و قرار داشتن کلانشهر ملی تهران در یک طرف رابطه، روابط و مناسبات شهر و روستا بسیار گسترده و متنوع بوده و البته پیامدهای عمیقی نیز بویژه بر نواحی روستایی برجای می‌گذارد. استان تهران که در قالب ۱۲ شهرستان و ۶۳ دهستان سازماندهی شده، بیش از یک هزار سکونتگاه روستایی و شهری دارد؛ حدود ۱۳/۸ درصد (سرشماری ۱۳۷۵) جمعیت آن در نقاط روستایی زندگی می‌کنند. این روستاها در سه ناحیه طبیعی کوهستانی، پایکوهی و دشتی استقرار یافته‌اند. با توجه به گسترش شهر تهران در دهه‌های اخیر، بخش وسیعی از نواحی روستایی استان، در حوضه نفوذ مستقیم شهر تهران قرار دارد. به همین علت قلمرو واقعی شهر تهران محدود به ۲۲ منطقه شهری نیست. منطقه شهری که تهران در آن آرمیده است از یک سو تا اواسط اتوبان قزوین (هشتگرد) و از سوی دیگر تا فاصله‌ای بین فیروزکوه و دماوند، و از شمال تا قله توچال و از جنوب تا مسافتی به سمت ساوه و قم گسترده است (منشور شهر تهران، ۱۳۸۰).

هدف این مقاله که حاصل پژوهشی با همین عنوان می‌باشد، شناخت و تحلیل الگوهای روابط شهر و روستا در نواحی روستایی تهران است. در این راستا، ابتدا الگوهای نظری روابط شهر و روستا بررسی و سپس الگوهای حاکم بر روابط شهر و روستا در اطراف تهران با این الگوها تطبیق داده می‌شود، نهایتاً به تبیین این الگوها در چهارچوب مدل‌های مکان مرکزی، حوضه نفوذ و حومه پرداخته می‌شود.

سوابق مطالعاتی

در زمینه شناخت و تحلیل روابط شهر و روستا در ایران، مطالعات نسبتاً گسترده‌ای توسط جغرافیدانان ایرانی و غیر ایرانی بارویکردها و نگرشهای متفاوت انجام شده که مهمترین آنها به شرح ذیل می‌باشد:

هانس بوبک (۱۹۵۸): تهران، کلارک (۱۹۶۳): شیراز و (۱۹۶۹): کرمانشاه، پل وارد انگلیش (۱۹۶۶): کرمان، گزاویه دوپلانول (۱۹۶۹): اصفهان، مایکل بوناین (۱۹۷۵): یزد، کوپ (۱۹۷۶): ساری، اکارت اهلرز (۱۹۷۷): طبس، کاستلو (۱۹۷۶): کاشان، مارسل بازن (۱۹۷۷): قم، مومنی (۱۹۷۸): تفت، سلطانی (۱۹۸۰): اصفهان، نظریان (۱۹۸۷): اهر، اویگن ویرت (۱۹۸۳): اصفهان، توانا (۱۹۸۳): زابل و پسران‌های روستایی آن، سعیدی (۱۹۸۴): اسدآباد و حوضه نفوذ آن، رهنمایی (۱۹۸۴): تهران و پسران‌های کوهستانی آن.

علاوه بر این، دگرگونیهای حاصله در نواحی روستایی اطراف تهران در اثر گسترش روابط شهر و روستا، موضوع مطالعات مختلفی بویژه از سال ۱۳۶۵ به بعد بوده که هر یک از زاویه‌ای معین به آن پرداخته‌اند. در این راستا، رهنمایی (۱۳۶۹، صص ۵۳ - ۲۴) در مطالعه خود به بررسی روند گسترش شهر تهران پرداخته و ضمن بررسی نقش عوامل جغرافیایی در این زمینه، اثرات توسعه این شهر بر نواحی جغرافیایی اطراف را مورد تحلیل قرار داده است. وی این اثرات را در سه بخش اثرات تهران بر روند شهرنشینی در نواحی پیرامونی، اثرات تهران بر تحولات فیزیکی و کالبدی نواحی روستایی و اثرات زیست محیطی و جغرافیایی تهران بر نواحی پیرامونی بررسی کرده است. در این مقاله، ایجاد شهرهای جدید از طریق تبدیل و ادغام روستاها در شهر، گسترش و متورم شدن جمعیتی شهرهای قدیم و جدید به عنوان

اثرات این روند بر شهرنشینی، تغییرات فیزیکی روستاهای اطراف از لحاظ فرم و کارکرد مساکن، ایجاد سکونتگاههای جدید روستایی و شهری، افزایش شدید جمعیت روستاهای موجود و گسترش راههای ارتباطی، به عنوان پیامدهای زیست فیزیکی و کالبدی ذکر شده است. همچنین تبدیل کشاورزی گسترده به متمرکز، آلودگی آبهای سطحی و زیر زمینی، مسمومیت خاک، رویش سرطانی نی و گسترش نیزارها، به عنوان پیامدهای زیست محیطی مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنین نظریان (۱۳۷۰، صص ۱۳۹ - ۹۷) در مطالعه‌ای به روند توسعه و گسترش فیزیکی شهر تهران در دوره‌های مختلف از عهد ناصری تا زمان حاضر پرداخته و در این راستا ضمن تعیین روستاهایی که در هر دوره در شهر تهران ادغام شده‌اند، روند شکل‌گیری و گسترش شهرکهای اقماری در قلمرو شهر تهران و اطراف آن را با ذکر تحولات جمعیتی مورد بررسی قرار داده است.

علاوه بر این، رفیعیان (۱۳۷۰، صص ۱۷۷ - ۱۵۵) نیز در مطالعه خود به بررسی روابط و اثرات مادر شهر تهران بر مناطق اقماری (مورد: شهریار) پرداخته است. وی با بررسی سفرهای روزانه، انگیزه‌های سفر، انواع و نسبت سفرهای روزانه را به ترتیب و عمدتاً شامل سفرهای اشتغال ۳۵/۶۲ درصد، امور بهداشتی - درمانی ۱۳/۷ درصد، دیدار با فامیل ۱۳/۲۴ درصد، امور تجاری ۱۱/۴۲ درصد، آموزشی ۱۰/۵ درصد، امور تفریحی ۶/۸۵ درصد، اداری ۶/۳۹ درصد و فرهنگی ۲/۲۸ درصد تفکیک کرده است. وی در ادامه، وابستگی به محرک‌های بیرونی بجای محرک‌های پویا و درونی در زمینه اشتغال و درآمد، ورود فرهنگ مخرب شهری، تنزل روحیه تعاون، ظهور ساختارهای بی هویت و بدون معنی و از هم پاشیدگی بافت و ساختار درونی روستاها را به عنوان مهمترین اثرات تهران بر نواحی اطراف ذکر نموده است.

بطور کلی گسترش شهر و شهرنشینی در ایران و بویژه شهر تهران و دگرگونیهای حاصل از آن از جمله در زمینه روابط شهر و روستا، متفاوت با معیارهای رایج گذشته رشد یافته است؛ هر چند نظریه‌هایی مانند دولت و شهرنشینی تا حدود زیادی می‌تواند تبیین‌کننده این شرایط باشد (رهنمایی، محمد تقی، ۱۳۷۳، ص ۲۶)، ولی تحولات جهانی از جمله پدیده جهانی شدن^(۱) نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه داشته و خواهد داشت.

الگوهای نظری روابط شهر و روستا

به علت دخالت عوامل مختلف محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی - اداری در روابط شهر و روستا، این روابط بسیار متنوع بوده و به سادگی نمی‌توان آنها را در چهارچوب الگوهای نظری و ذهنی از پیش تعیین شده بررسی کرد؛ ولی از آنجا که این الگوها می‌توانند به فعال سازی ذهن و درک بهتر آنها کمک کنند، می‌توان آنها را با توجه به شرایط خاص مورد استفاده قرار داد. همچنین هر یک از این الگوها محاسن و معایب معین داشته و شرایط ویژه مکانی خاصی می‌طلبند؛ مهمترین الگوها در این زمینه شامل الگوی بازماندگی، الگوی دوگانگی، الگوی پیوستگی و الگوی کارکردی می‌باشد (سعیدی، عباس، ۱۳۷۷) که برای جلوگیری از اطاله کلام فقط الگوی کارکردی تشریح می‌شود.

۱- جهانی شدن و تاثیر آن در شهرنشینی و شهرگرایی و تحول مناسبات شهر و روستا بویژه در پیرامون شهرهای بزرگ موضوع گسترده‌ای است که تحقیق مستقلی نیاز دارد و خارج از حوصله این بحث است.

الگوی کارکردی

طبق این الگو، شهر و روستا نه تنها با هم ارتباط دارند، بلکه به یکدیگر وابسته‌اند. با توجه به اصل اول مدل ارتباطات مکانی اولمن^(۱)، کارکردهای تکمیلی^(۲) بین سکونتگاهها (از جمله بین شهر و روستا) جهت برقراری یک جریان ضروری است و این ارتباط نیازهای طرفین را برطرف می‌سازد. البته وجود فرصتهای مداخله‌گر^(۳) (اصل دوم) قابلیت انتقال^(۴) (اصل سوم) کم و کیف این ارتباط را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در راستای الگوی کارکردی سه مدل و الگوی فرعی به شرح ذیل قابل بررسی است:

مدل مکان مرکزی

در این مدل، جایگاه هر یک از سکونتگاهها وابسته به میزان کالاها و خدماتی است که در منظور و آرزوی ساکنین آنها خود و جمعیت نقاط پیرامونی عرضه می‌کنند. بنابراین مقدار و دامنه کالاها و خدمات عرضه شده، تعیین کننده درجه مرکزیت آن مکان بشمار می‌رود. طبق این مدل، شهرها و بویژه مادر شهرهای ملی و منطقه‌ای بزرگترین سکونتگاهها، مرکزیت در قلمرو خود بوده و کالاها و خدمات برتر را در زمینه‌های مختلف به مکانهای مرکزی کوچکتر و با دامنه نواحی روستایی عرضه می‌کنند.

مدل حوضه نفوذ

در مدل حوضه نفوذ بر خلاف مدل مکان مرکزی، کارکرد تدارکاتی روستا برای شهر مورد تاکید است. در این راستا، هانس بوبک (۱۹۴۸) اصطلاح سرمایه داری بهره‌بری را برای شهرهای شرق اسلامی و حوضه نفوذ آنها بکار می‌برد. بدین ترتیب که شهرها محل سکونت زمینداران و مالکان عمده است و حوضه نفوذ نواحی روستایی آنها تولیدات خود، اساس تغذیه جمعیت شهرها و مبادلات تجاری آنها را فراهم می‌سازد؛ یعنی شهرها از حوضه نفوذ روستایی خود ارتزاق می‌کنند و به واسطه وجود آنها شکل می‌گیرند و گسترش می‌یابند. در مقابل، اروپا و آمریکا در دهه ۱۹۷۵) شهرهای شرق اسلامی را به عنوان مکانهای مرکزی حوضه پیرامونی خود معرفی می‌کنند که کارکردهای صنعتی، سازنده‌ای دارند و کانون نوآوری و ساماندهی اقتصادی برای حوضه نفوذ پیرامونی بشمار می‌روند. (ص ۱۲۸، ۱۳۷۷)

مدل حومه

طبق این مدل، نواحی روستایی برخی از کارکردهای تدارکاتی شهر را عهده دار می‌شوند. با توجه به این واقعیت که در دنیای امروزی بویژه در کشورهای صنعتی، کارکرد روستاهای اطراف شهر غالباً تدارک کننده نیازهای اولیه ساکنین است. لذا نقاط روستایی توانسته‌اند به عنوان عرصه‌ای تکمیلی، برخی از کارکردهای شهری را بر عهده گیرند. در واقع این شهرها برای شهرها به عنوان عرصه‌ای جهت توسعه فیزیکی، گسترش صنایع، ساختمان‌ها، راهها و استراحتگاهها سرچشمه توجه

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به سجادی، زیلا و علیزاده، کتابون، ۱۳۸۰، صص ۱۷۵-۱۶۵.

2- Complementary

3- Intervening opportunity

4- Transferability

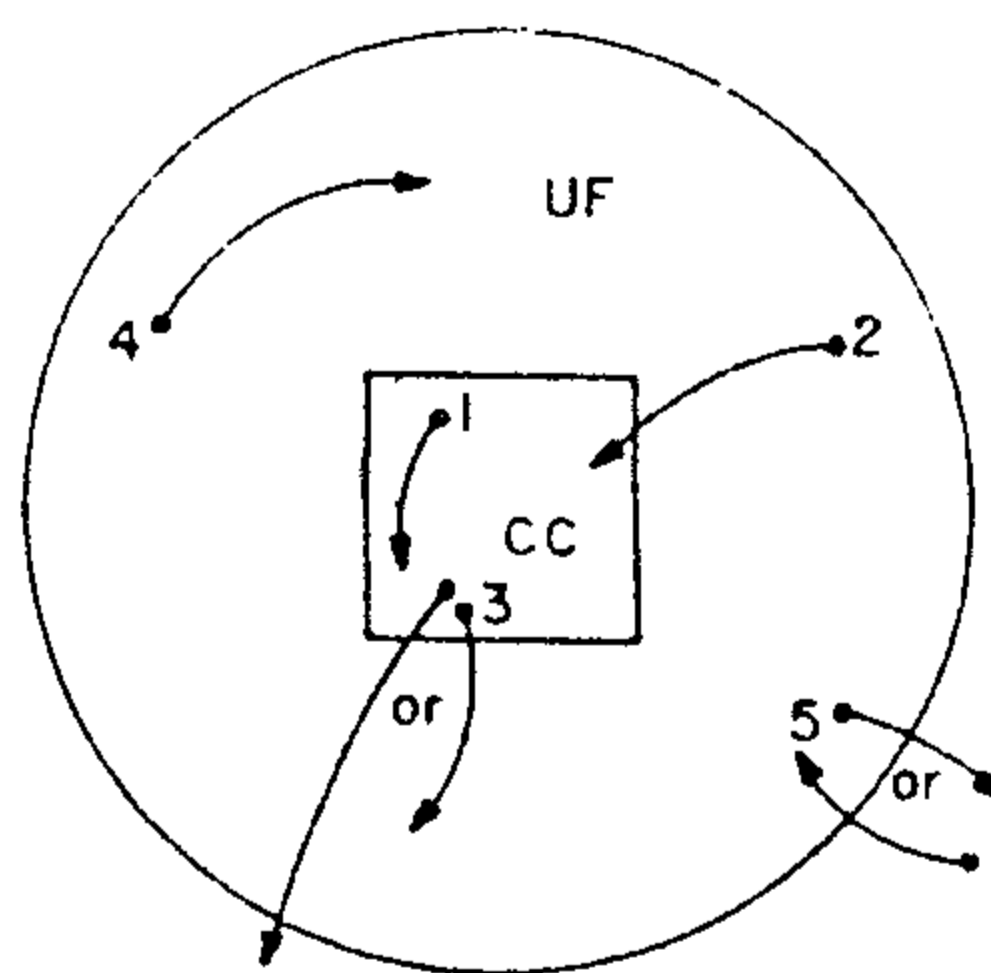
است. امروزه در کشورهای صنعتی و همچنین در حاشیه شهرهای بزرگ سایر کشورها، نواحی روستایی علاوه بر سایر کارکردها، در تأمین آب شهرها و دفع فاضلاب و زباله‌های شهری و نیز در تأمین مسکن کارگران و کارمندان شهری نقش دارند و مستقیماً تحت تأثیر شهرها می‌باشند.

الگوی مسافرت‌های روزانه در شهر و حومه‌های شهری

با توجه به اینکه بخش مهمی از روابط شهر و روستا به شکل مسافرت‌های روزانه خود را نشان می‌دهد؛ بنابراین الگوهای موجود در این زمینه جای بررسی دارد و در این راستا، پلن^(۱) در سال ۱۹۸۱ با بررسی الگوی مسافرت‌های روزانه در شهرهای بزرگ و اطراف آنها، پنج نوع الگوی سفر (شکل ۱) به شرح ذیل تشخیص داد:

- ۱- جابجایی روزانه در محدوده قانونی شهر توسط کسانی که در این محدوده سکونت و کار می‌کنند.
- ۲- جابجایی روزانه از نواحی اطراف به داخل شهر بویژه برای فعالیت اقتصادی در مورد کسانی که محل سکونت آنها خارج از شهر، ولی محل کار آنها داخل شهر است.
- ۳- جابجایی روزانه معکوس از داخل شهر به نواحی اطراف بویژه در مورد کسانی که سکونت آنها در شهر، ولی محل کار آنها خارج از شهر و حتی در حومه آن است.
- ۴- جابجایی روزانه در قلمرو نواحی اطراف شهر در مورد کسانی که محل سکونت و کار آنها در این نواحی است.
- ۵- جابجایی روزانه از بین حومه‌های شهر و نواحی دورتر از آن و بالعکس (پسیون، ۱۹۸۵، ص ۱۷۸).

شکل ۱- گونه‌شناسی (انواع) جریانهای مسافرتی روزانه



ماخذ: پسیون، م، ۱۹۸۵، ص ۱۷۹

شهرگرایی روستاها و مراحل تحولات جمعیتی آنها

روابط شهر و روستا می‌تواند موجب شهرگرایی در نواحی روستایی شود و در روند تحولات جمعیتی این نواحی ایجاد دگرگونی نماید. در این راستا شناخت الگوهای موجود در این زمینه جای بررسی دارد. شهرگرایی حومه‌ها و نواحی روستایی فرایندی اجتماعی است که شامل گسترش ایده‌ها و شیوه‌های زندگی شهری در نواحی روستایی می‌باشد

و مشخص ترین حالت آن، حرکت جمعیت از شهرها به نواحی روستایی است. این پدیده که ناشی از گسترش روابط شهر و روستا می باشد، می تواند از طریق شکل گیری و گسترش کارکردهای تفریحی (و در نتیجه شکل گیری خانه های دوم) و سکونت در نواحی روستایی بوجود آید. در این حالت، علیرغم وجود مرز فیزیکی مشخص در کاربری اراضی شهری و روستایی، شهرگرایی باعث می شود که حتی در کشورهای دارای قوانین برنامه ریزی محکم، تمایز شهر و روستا از لحاظ عملکردی و اجتماعی کمرنگ شود (پسیون، ۱۹۸۵، ص ۱۸۵-۱۸۳).

همچنین شهرگرایی باعث دگرگونی در روند تحولات جمعیتی روستاها می شود. طبق مدل شهرگرایی لوئیس و موند، سه مرحله جمعیت زدایی^(۱)، تعادل جمعیت^(۲) و جمعیت پذیری^(۳) در این تحولات قابل بررسی است (گیلگ، ۱۹۸۹، ص ۷۸) چنانچه ورود نواحی روستایی از مرحله اول به مراحل دوم و سوم، معمولاً از طریق شهرگرایی و گسترش کارکردهای خوابگاهی، تفریحی و صنعتی در نواحی روستایی تحقق می یابد. مهاجرپذیری روستاها پدیده ای نوین بوده و بیشتر در نیم قرن اخیر، نواحی روستایی اطراف شهرهای بزرگ و همچنین روستاهای دارای جاذبه های گردشگری، آن را تجربه می کنند. این پدیده فرصتها و تهدیدهایی را برای نواحی روستایی فراهم می کند. افزایش سطح درآمد روستائیان، ایجاد اشتغال و سرمایه گذاری در مسکن روستایی از جمله فرصتهای ممکن آن است و تهدیدهای این پدیده شامل رقابت در بخش مسکن و تغییر در ترکیب جوامع روستایی می باشد. فرصتهای ممکن حاصل از مهاجرپذیری روستاها هنوز بطور کامل برای نواحی روستایی در بسیاری از کشورها از جمله اسکاتلند فراهم نشده است (استوکدال، ۲۰۰۰، ص ۲۵۵).

انطباق الگوهای نظری روابط شهر و روستا با نواحی روستایی اطراف تهران

با توجه به مطالعات موردی انجام شده از طریق مشاهده، پرسشنامه و مصاحبه در نواحی روستایی اطراف تهران، می توان ابراز داشت که روابط شهر و روستا در این ناحیه بیشتر با الگوی کارکردی منطبق است و در این راستا از مجموع مدل های الگوی کارکردی، مدل های مکان مرکزی، حوضه نفوذ و حومه انطباق بیشتری با شرایط این ناحیه دارند. شهر تهران علاوه بر سطح ملی، در سطح منطقه ای و ناحیه ای نیز بالاترین تعداد و تنوع کارکردها را دارد و به عنوان مکان مرکزی برتر، ارائه کننده کالاها و خدمات مختلف به شهرها و روستاهای استان تهران می باشد. به دلیل فاصله نه چندان زیاد روستاها (حتی دورترین آنها در سطح استان) با شهر تهران، اکثر روابط و مراجعات به صورت روزانه و پاندولی است؛ با این تفاوت که در نواحی روستایی حاشیه ای استان، روابط با تهران به صورت سلسله مراتبی است و شهرهای متوسط و کوچک نیز به عنوان مکانهای مرکزی کوچکتر ایفای نقش می کنند، ولی در فواصل نزدیکتر، اکثر روابط روستاها بطور مستقیم با تهران است و مکانهای مرکزی کوچکتر نادیده گرفته می شوند. لذا این نوع روابط بین تهران و نواحی اطراف آن، با مدل مکان مرکزی منطبق است. همچنین با توجه به نقش تدارکاتی نواحی روستایی اطراف برای شهر تهران بویژه در زمینه نیروی انسانی، محصولات کشاورزی و دامی، تأمین آب، مصالح ساختمانی و برخی از کالاهای صنعتی، این روابط را می توان در چهارچوب مدل حوضه نفوذ نیز توجیه و تبیین کرد. البته به دلیل تفاوت های مکانی بین نواحی روستایی شمال و جنوب تهران، کارکرد این نواحی به عنوان حوضه نفوذ در برابر تهران متفاوت است.

1- Depopulation

2- population

3- Repopulation

علاوه بر این، مدلی که بیشترین انطباق را با نواحی روستایی اطراف تهران در زمینه روابط شهر و روستا دارد، مدل حومه است. امروزه بخش عمده‌ای از نواحی روستایی و نقاط شهری استان تهران، نقش حومه شهر تهران را ایفا می‌کنند و به عنوان عرصه‌ای تکمیلی برای شهر تهران می‌باشند. در واقع شهر تهران از این فضاها برای تکمیل کارکردهای خود استفاده می‌کند و بخشی از کارکردهای خود را به این نواحی منتقل کرده است.

نواحی روستایی و کوهستانی محور شمال تهران به عنوان عرصه‌ای تکمیلی برای گردش و تفریح، ورزش‌های زمستانی و گذران اوقات فراغت شهروندان تهرانی مورد استفاده قرار می‌گیرند که شکل‌گیری و گسترش خانه‌های دوم، اماکن اقامتی، پذیرایی و تفریحی و گسترش شبکه ارتباطی از آثار این کارکرد است. در مقابل، نواحی روستایی جنوب‌شرق، جنوب و غرب تهران بیشتر به عنوان عرصه‌ای برای دفن زباله و انباشت فاضلاب، سکونت کارگران و کارکنان شهری، احداث صنایع و بویژه کارگاه‌های صنعتی مزاحم شهری و آلوده‌زا، گسترش شبکه ارتباطی و برخی از تأسیسات و تجهیزات شهری مورد استفاده قرار می‌گیرند. شکل‌گیری این کارکردها در نواحی روستایی موجب تحولات گسترده جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی در آنها شده است. در مجموع می‌توان اظهار نمود که علاوه بر مدل‌های مکان مرکزی و حوضه نفوذ که توجیه‌کننده بخشی از روابط شهر و روستا در سطح کشور و از جمله اطراف تهران است، مدل حومه بیشترین انطباق را با نواحی روستایی استان تهران که عمدتاً به عنوان حومه شهر تهران ایفای نقش می‌کنند، دارد.

الگوهای عملکردی روابط شهر و روستا در نواحی اطراف تهران

با توجه به کم و کیف و آثار و پیامدهای روابط شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران، می‌توان الگوهای عملکردی روابط شهر و روستا را در نواحی روستایی اطراف تهران بویژه در چهارچوب مدل حومه به شرح زیر تفکیک کرد:

الگوی اول: الگوی تفریحی - فراغتی ناحیه کوهستانی شمال تهران

ناحیه شمال استان تهران از فیروزکوه در شرق تا طالقان در غرب به دلیل ویژگی محیط کوهستانی خود، برای شهروندان تهرانی ساکن دشت، اصولاً دارای جاذبه است، و به دلیل آلودگی فزاینده محیط زیست شهر تهران، نیاز مردم به این فضاها روز بروز بیشتر می‌شود. برخلاف گذشته که استفاده از فضاها کوهستانی برای تفریح و تفرج توسط افراد محدودی صورت می‌گرفت، امروزه این بهره‌برداری به صورت توده‌ای خود را نشان می‌دهد. در حال حاضر ناحیه کوهستانی شمال تهران و روستاهای موجود آن، در روزهای آخر هفته، تعطیلات و در طول فصل گرم سال پذیرای جمعیت انبوهی از شهروندان تهرانی است که عمدتاً برای گردش و تفریح، کوهنوردی و ورزش به این ناحیه سفر می‌کنند. حضور بخشی از مردم (عمدتاً طبقات متوسط و پایین) در این ناحیه به صورت روزانه و بدون اقامت شبانه است؛ در حالیکه حضور طبقات مرفه همراه با اقامت شبانه می‌باشد. حضور گروه اخیر منجر به پیدایش پدیده خانه‌های دوم یا تعطیلات^(۱) و حومه نشینی فصلی^(۲) در این ناحیه شده است.

در اکثر روستاهای دهستان‌های بالا طالقان، میان طالقان، پایین طالقان، برغان (شهرستان ساوجبلاغ)، آسارا، نساء، آدران (کرج)، رودبار قصران، لواسان بزرگ و کوچک (شهرستان شمیرانات)، آبعلی، تاررود، حبله رود، ابرشیوه، جمع آبرود (دماوند) پدیده‌خانه‌های دوم بطور گسترده رواج دارد (نقشه شماره ۱). طبق بررسی‌های میدانی نگارنده، نسبت خانه‌های دوم از کل مساکن روستایی در روستاهای نمونه دهستان‌های طالقان ۳۰ درصد، آدران و نساء ۲۰ درصد، رودبار قصران ۲۵ درصد، لواسان کوچک و بزرگ به ترتیب ۱۰ و ۱۵ درصد و آبعلی و تاررود ۲۵ درصد است. این نکته را باید در نظر گرفت که برخی از مناطق شمالی شهر تهران نیز مانند شمیران تا دهه ۱۳۴۰ بیشتر نقش خانه دوم را داشتند که با توجه به گسترش شهر تهران به سکونتگاه دائمی تبدیل شده‌اند.

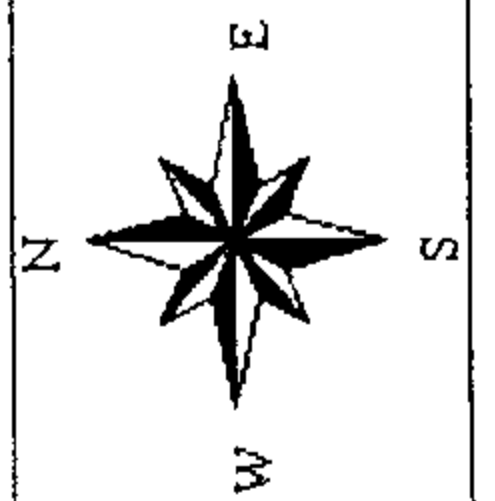
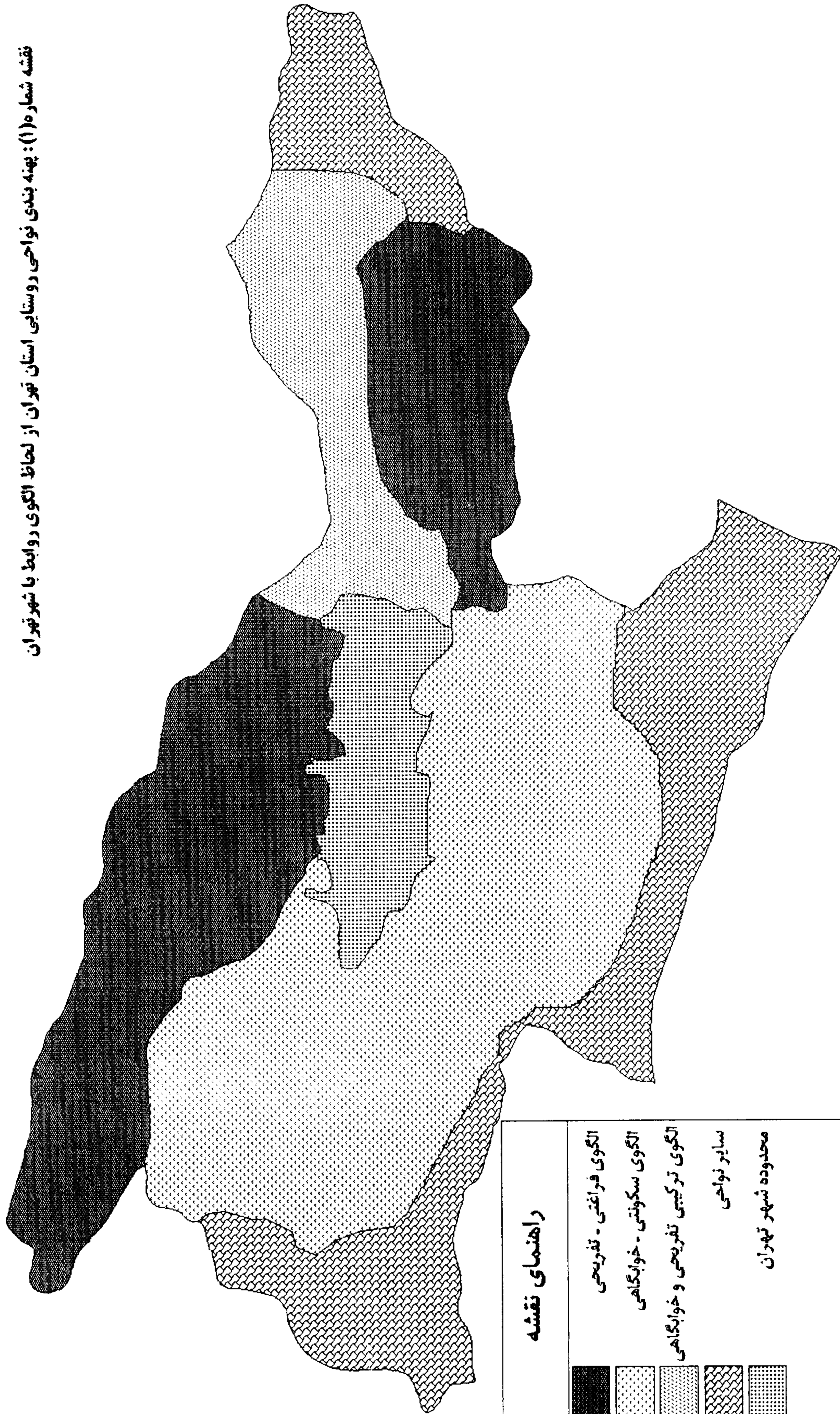
در روستاهای تحت پوشش، این الگو از یک طرف به دلیل حاکمیت شرایط کوهستانی که فرصتهای محدودی را برای اشتغال و درآمد فراهم می‌کند و از طرف دیگر، بویژه به دلیل گسترش خانه‌های دوم که باعث جایگزینی خانوارهای موقت شهرنشین به جای سکنه روستایی می‌گردد؛ رشد جمعیت روستاها منفی بوده و طی سالهای ۷۵-۱۳۴۵ از تعداد جمعیت آنها دائماً کاسته می‌شود. برای مثال، در این مدت متوسط رشد سالیانه جمعیت دهستان‌ها از حداقل (۶/۲۵-) درصد (دهستان پایین طالقان) تا حداکثر (۰/۳۲-) درصد (دهستان حبله رود) نوسان دارد. البته به دلیل کارکرد فراغتی - تفریحی این دهستان‌ها، جمعیت موقت آنها در ایام خاص (آخر هفته، روزهای تعطیل و فصل تابستان) به شدت افزایش می‌یابد. علیرغم رشد جمعیت منفی، رشد فیزیکی این روستاها به دلیل شکل‌گیری و گسترش خانه‌های دوم بسیار زیاد است. از دیگر خصوصیات روستاهای این الگو، بالا بودن جمعیت سالخورده (و در مقابل پایین بودن نسبت جمعیت جوان)، و تراکم کم جمعیت است که این ویژگی‌ها با شکل‌گیری کارکرد تفریحی - فراغتی این روستاها کاملاً قابل توجیه است (جدول ۱).

جدول ۱- مشخصات پیشنهادی الگوهای عملکردی روابط شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران- ۱۳۸۰

ردیف	الگو	وسعت		تعداد تقریبی دهستانها	رشد جمعیت	نسبت جمعیت سالخورده	رشد فیزیکی روستاها	شرایط محیطی	تراکم جمعیت	ویژگی خاص
		کیلومتر مربع	درصد							
۱	فراغتی	۵۲۳۱	۲۹/۸	۱۲	منفی	زیاد	زیاد	کوهستانی	کم	خانه‌های دوم
۲	سکونتی	۶۷۳۰	۳۶/۳	۴۲	زیاد	کم	زیاد	دشتی	زیاد	روستاهای خوابگاهی
۳	ترکیبی	۱۷۵۹	۱۰/۰۳	۵	نسبتاً زیاد	متوسط	زیاد	دامنه‌ای - کوهستانی	متوسط	هردو
۴	سایر	۴۱۸۵ ^(۱)	۲۳/۸۸	۴	کم	متوسط	کم	دشتی و کوهستانی	کم	

۱- تفاوت مجموع مساحت الگوهای چهارگانه فوق با مساحت استان تهران، به دلیل در نظر نگرفتن مساحت حدود ۱۲۰۱ کیلومتر مربعی محدوده شهری تهران است.

نقشه شماره (۱): پهنه بندی نواحی روستایی استان تهران از لحاظ الگوی روابط با شهر تهران



هر چند گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی می‌تواند اثرات مفیدی در زمینه احیاء مساکن قدیمی، تأمین اشتغال و درآمد و همچنین بهبود کیفیت بصری در نواحی روستایی داشته باشد (شارپلی، ۱۹۹۷، ص ۱۴۱)، ولی بهره برداری گسترده از نواحی کوهستانی در شمال تهران به شکل ایجاد خانه‌های دوم، فعالیت‌های ورزشی، صیادی، کوهنوردی و حتی شکل‌گیری کارکردهای خوابگاهی در روستاها، تهدید جدی برای محیط زیست کوهستان است. به عنوان مثال، طبق تحقیقات بعمل آمده در حوضه آبخیز سد لتیان حدود ۱۷ عامل تخریب وجود دارد که عمدتاً با گسترش روابط شهر و روستا قابل توجیه است. همچنین بیشتر میزان تخریب در قلمرو روستاهای این ناحیه که به دلیل پذیرش کارکردهای تفریحی و خانه‌های دوم گسترش فیزیکی شدیدی داشته‌اند، وجود دارد (جعفری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴ - ۱۰۹)؛ چرا که محیط کوهستان هم از لحاظ زیستی و اکولوژیکی و هم از جنبه اقتصادی - اجتماعی بسیار آسیب‌پذیر و شکننده است و این خصوصیات حفاظت و حمایت بیشتر از این نواحی را ضروری می‌سازد. به همین علت و با توجه به اهمیت نواحی کوهستانی در تأمین آب، انرژی، منابع معدنی، ذخائر زیستی و تمدن بشری، مسئله اهمیت حفاظت از مناطق کوهستانی در فصل سیزدهم از دستور کار ۲۱ در کنفرانس انسان و محیط (۱۹۹۲) در شهر ریودوژانیرو مورد تاکید قرار گرفته است (یاوری، ۱۳۷۵، صص ۱۷۸ - ۱۷۷). در نواحی کوهستانی شمال تهران نیز بویژه در حوضه آبریز سدهای کرج و لتیان اعمال محدودیت بر ساخت و ساز طی سال‌های اخیر از طرف دولت و در این راستا اتخاذ شده است.

الگوی دوم: الگوی سکونتی - خوابگاهی ناحیه دشتی جنوب تهران

نواحی روستایی واقع در جنوب شرق، جنوب و غرب تهران به دلیل فاصله نزدیک با این شهر و سهولت دسترسی به آن و همچنین به علت قابلیت گسترش فیزیکی، طی چند دهه اخیر عرصه‌ای برای گسترش کارکردهای سکونتی - خوابگاهی، کارگاهی و صنعتی بوده است. روستاها، شهرک‌ها و شهرهای حدود ۴۲ دهستان در این ناحیه که در شهرستان‌های پاکدشت، ورامین، ری، اسلامشهر، رباط کریم، شهریار و بخشی از شهرستان‌های کرج و ساوجبلاغ قرار دارند (نقشه شماره ۱)، طی سالهای اخیر به شدت مهاجرپذیر بوده و به محل سکونت کارگران و کارکنانی تبدیل شده که در تهران و حومه‌های آن مشغول کار هستند. دامنه کارکرد خوابگاهی - سکونتی که در گذشته فقط شامل برخی از روستاها در حاشیه بلافصل تهران بود، طی سالهای ۷۵ - ۱۳۴۵ به شدت گسترش یافت و به جز تعداد چهار دهستان در منتهی الیه جنوب و غرب، سراسر نواحی جنوبی و غربی استان تهران را فرا گرفته است. روستاهای این ناحیه همانند اکثر روستاهای کشور، در گذشته مهاجر فرست بوده‌اند؛ ولی به دلیل موقعیت مناسب در مجاورت تهران و همچنین مشکلات مربوط به مسکن در این شهر، کارکرد سکونتی - خوابگاهی یافته و بویژه طی ۳۰ ساله اخیر به محل سکونت مهاجرانی تبدیل شده که به قصد تهران مهاجرت می‌کنند، اما به دلیل پایگاه نامناسب اقتصادی، تنها در روستاها و شهرک‌های اطراف امکان سکونت دارند. در همین راستا رشد فیزیکی و جمعیتی این قبیل روستاها بسیار زیاد است و در طی سالهای ۷۵ - ۱۳۴۵ سکونتگاههای روستایی و شهری این ناحیه اکثراً بطور خالص مهاجرپذیر بوده و حتی علیرغم کاهش نرخ مهاجرپذیری روستاها در دهه ۷۵ - ۱۳۶۵، هنوز هم در برخی دهستان‌ها (از جمله دهستان خلایزیر شهرستان ری که رشد سالیانه جمعیت آن طی سالهای ۷۵ - ۱۳۶۵ حدود ۴۴/۵ درصد بوده است)، رشد جمعیت و مهاجرپذیری زیاد می‌باشد. از دیگر خصوصیات نواحی روستایی این الگو، تراکم زیاد جمعیت و بالا بودن نسبت جمعیت جوان (برخلاف جمعیت سالخورده) است (جدول شماره ۱).

با توجه به اینکه مهاجران ساکن در روستاها و شهرک‌های این ناحیه عمدتاً از مناطق مختلف کشور (بویژه روستاها) مهاجرت کرده‌اند، اقامت آنها در این سکونتگاهها و شکل‌گیری کارکردهای سکونتی - خوابگاهی را می‌توان به عنوان فرایندی از مهاجرت از مناطق مختلف کشور به مقصد شهر تهران محسوب کرد که خود را به شکل مهاجرت پله‌ای یا مرحله‌ای^(۱) و یا غیر مستقیم در این مرحله نشان می‌دهد. چراکه اقامت حداقل بخشی از مهاجران در این روستاها و شهرک‌ها موقتی بوده و در مرحله بعد، آنها با کسب تخصص، آگاهی و تقویت پایگاه اقتصادی - اجتماعی خود به شهرهای بزرگتر استان تهران بویژه شهر تهران مهاجرت می‌کنند.

به هر حال، بهره‌برداری کلانشهر ملی تهران از نواحی روستایی اطراف خود به عنوان عرصه‌ای تکمیلی برای سکونت بخشی از کارگران و کارکنان شهری، منجر به پیدایش روستاهای متروپلیتن^(۲) در نواحی اطراف شده است. البته شکل‌گیری و گسترش این روستاها در اطراف تهران متفاوت با فرآیندی است که کشورهایمانند انگلیس در اطراف شهر لندن تجربه کرده‌اند. در این کشور روستاهای متروپلیتن در ارتباط با جریان ضد شهرنشینی^(۳) و تمرکززدایی از شهرهای بزرگ که باعث مهاجرت معکوس از نقاط شهری به روستاهای اطراف گردیده، بوجود آمده‌اند. به همین دلیل شکل‌گیری و گسترش این روستاها و مهاجرت از کلانشهرها به روستاهای متروپلیتن حرکتی برنامه‌ریزی شده و دقیق بوده است (پسیون، ۱۹۸۵، صص ۱۷۱-۱۶۷). ولی شکل‌گیری و گسترش این روستاها در اطراف تهران اولاً پدیده‌ای خودجوش و فاقد هرگونه اقدام برنامه‌ریزی شده بوده و ثانیاً جذب جمعیت در این روستاها نه از طریق تمرکززدایی از کلانشهر تهران، بلکه از طریق جذب مهاجرین عمدتاً روستایی از سایر نواحی کشور که حداقل در کوتاه مدت امکان سکونت در تهران را ندارند، عملی شده است. بنابراین شکل‌گیری و گسترش روستاهای متروپلیتن در اطراف تهران نه تنها فشار جمعیتی بر تهران را کاهش نداده، بلکه بطور غیرمستقیم آنرا افزایش نیز داده است.

در مجموع، گسترش کارکردهای سکونتی - خوابگاهی در نواحی روستایی جنوبشرق، جنوب و جنوبغرب تهران، موجب بروز دگرگونیهای عمیق اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی - فضایی گردیده است. اگر با نگرش مسئله‌ای به این تحولات بنگریم، پیامدهای منفی مانند تغییر کاربری اراضی کشاورزی، آلودگی محیط زیست، افزایش قیمت زمین و مسکن (و در نتیجه بروز مشکل برای روستائیان بومی)، رکود فعالیت‌های کشاورزی و دامی و همچنین تضادهای اجتماعی و فرهنگی در روستاها در این تحولات مشاهده می‌شود. این مشکلات دخالت در روند تحولات روستاهای اطراف تهران از طریق برنامه‌ریزی، تهیه و اجرای طرحهای توسعه یکپارچه شهر و روستا و اعمال قوانین مناسب را ضروری می‌سازد. به دلیل همین مشکلات، از حدود سال ۱۳۷۰ به بعد، دولت از طریق اعمال محدودیت‌های رشد و توسعه، بویژه در زمینه مسکن و توسعه فیزیکی روستاها و شهرهای اطراف تهران، بخشی از این تحولات را تا حدودی مهار کرده و همین دخالت باعث شد تا در دهه اخیر رشد جمعیت و به تبع آن رشد فیزیکی روستاها و شهرک‌ها در این ناحیه کنترل و محدود شود. در واقع بسیاری از این روستاها بعد از مرحله جمعیت پذیری سالهای ۷۰ - ۱۳۴۵، وارد مرحله نوینی از تعادل جمعیت از سال ۱۳۷۰ به بعد شده‌اند.

1- Stepwise Migration

2- Metropolitan Village

3- Conterurbanization

الگوی سوم: الگوی ترکیبی تفریحی و خوابگاهی روستاهای دامنه‌ای شمالشرق تهران

در برخی از دهستانها و روستاهای ناحیه کوهستانی شمال تهران، علیرغم وجود کارکرد تفریحی - فراغتی، در سالهای اخیر به دلیل فاصله نزدیک با تهران و شهرهای مجاور، قرار داشتن در مسیر شبکه‌های اصلی ارتباطی مانند جاده هراز و فیروزکوه و همچنین گسترش کارکردهای صنعتی در آنها، کارکرد سکونتی - خوابگاهی نیز رواج یافته است. دهستان‌های آبعلی، تار رود (شهرستان دماوند)، لواسان کوچک (شمیرانات)، قزقانچای (دماوند) و شهرآباد (فیروزکوه) مهمترین این نواحی هستند (نقشه شماره ۱). این نواحی همانند دهستان‌های الگوی اول در دهه‌های ۵۵ - ۱۳۴۵ و یا ۶۵ - ۱۳۵۵ مهاجر فرست و بیشتر دارای رشد منفی بوده‌اند، ولی جاذبه‌های سکونتی و پذیرش مهاجر در دهه‌های بعد آنها را تبدیل به نواحی مهاجرپذیر کرده است. دهستان لواسان کوچک از نمونه این نواحی است. رشد جمعیت این دهستان در دهه‌های ۵۵ - ۱۳۴۵ و ۶۵ - ۱۳۵۵ به ترتیب $(-1/9)$ و $(-1/3)$ بوده، ولی در دهه ۷۵ - ۱۳۶۵ به دلیل پذیرش کارکرد خوابگاهی به $13/66$ درصد افزایش یافته است. بطور کلی در این نواحی ترکیبی از ویژگیهای روستاهای الگوی اول و دوم دیده می‌شود؛ بویژه در کنار مساکن خوابگاهی که ساکنان آنها برای اشتغال روزانه به تهران و حومه آن مسافرت می‌کنند، خانه‌های دوم و دیگر عناصر مشخص‌کننده کارکرد تفریحی - فراغتی بطور همزمان وجود دارد. البته بین این دو کارکرد سازگاری وجود ندارد و ادامه این وضع موجب تضعیف کارکرد تفریحی در این روستاها می‌شود. بطور کلی رشد فیزیکی این روستاها نیز همانند الگوی اول و دوم زیاد، رشد جمعیت نسبتاً زیاد، نسبت جمعیت سالخورده در حد متوسط و تراکم جمعیت آنها در حد متوسط می‌باشد.

در مجموع، شکل‌گیری کارکرد سکونتی - خوابگاهی در نواحی تفریحی - فراغتی شمال تهران پدیده‌ای نسبتاً جدید است و حاکی از افزایش تأثیرگذاری تهران بر نواحی اطراف و بهره‌برداری از آنها در راستای عملکرد خود است. همچنین این وضع نشان می‌دهد که موج مهاجرت به مقصد تهران از جمله از روستاها همچنان گسترده است. بهر حال در صورت ادامه این وضع، انتظار می‌رود که روستاهای بیشتری در آینده در معرض هجوم سکونتی - خوابگاهی قرار گیرند و در نتیجه گسترش کارکرد سکونتی - خوابگاهی در نواحی کوهستانی شمال تهران، فشار بر محیط و ناپایداری آن را افزایش می‌دهد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در نواحی روستایی تهران به دلیل فاصله نزدیک شهر و روستا و قرار داشتن کلانشهر ملی تهران در یک طرف رابطه، روابط شهر و روستا گسترده و متنوع و دارای پیامدهای عمیق است. اگرچه با توجه به کارکردهای متقابل شهر و روستا در برابر یکدیگر این روابط را می‌توان تا حدودی با مدل‌های مکان مرکزی و حوضه نفوذ توجیه و تبیین نمود، ولی کم و کیف این روابط و آثار و پیامدهای آن بیشتر با مدل حومه قابل تبیین است. امروزه اکثر نواحی روستایی استان تهران نقش حومه شهر تهران و شهرهای اقماری مجاور آن را ایفا می‌کنند و به عنوان عرصه‌ای تکمیلی برای کارکردهای شهری و یا در واقع به صورت حیاط خلوت شهر تهران عمل می‌کنند. بنابراین گونه خاصی از روابط شهر و روستا و متفاوت با سایر نواحی کشور در اطراف تهران در جریان است که منجر به پیدایش نوع ویژه‌ای از روستا و زندگی روستایی شده است. همچنین تنوع و گستردگی روابط، موجب یکپارچگی عملکردی و فضایی شهر و روستا، تبدیل نواحی روستایی به نواحی روستایی و شهری مختلط و کمرنگ شدن مرزهای تفکیک شهر و روستا شده است. نواحی

روستایی جنوب‌شرق، جنوب و غرب تهران اگر چه با پذیرش بخشی از جریان مهاجرت به تهران، فشار مستقیم بر این شهر را کاهش داده و در واقع به عنوان ضربه گیر این شهر عمل کرده‌اند، ولی گسترش کارکردهای خوابگاهی، کارگاهی، صنعتی و استقرار تأسیسات و تجهیزات در این نواحی و یا به عبارتی بهره‌برداری گسترده تهران از این نواحی، موجب بروز دگرگونی‌های عمیق اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و فضایی - کالبدی در آنها شده است. اگر با نگرش مسئله‌ای به این دگرگونی‌ها توجه کنیم، پیامدهای منفی متعددی در زمینه تخریب محیط زیست، تخریب چشم‌انداز، تبدیل و تغییر کاربری اراضی کشاورزی، رکود فعالیت‌های کشاورزی و دامی، بروز ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی و ایجاد تباینات کالبدی در این نواحی خواهیم یافت. در نواحی روستائی شمال تهران نیز این مشکلات کم و بیش ولی به شیوه متفاوت ایجاد شده است.

در مجموع، از آنجا که بروز تحولات اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و فضایی - کالبدی و شکل‌گیری کارکردهای جدید در نواحی روستایی اطراف تهران به صورت خودجوش و فاقد هرگونه حرکت برنامه ریزی شده بوده است؛ آثار و پیامدهای نامطلوبی هم بر شهر تهران و هم بر نواحی اطراف آن بر جای گذاشته است که به همین علت کنترل و هدایت تحولات در نواحی اطراف تهران در راستای توسعه یکپارچه و پایدار نواحی شهری و روستایی از طریق تهیه و اجرای طرح‌های ساماندهی ضروری می‌باشد. همچنین سیاست ملی شهرنشینی باید یک سیستم متشکل سکونتگاهی در شبکه جغرافیایی ایجاد کند تا منافع توسعه اجتماعی و اقتصادی از مراکز شهری به حوزه‌های روستایی و از حوزه‌های روستایی ناحیه به شهرها و شهرهای بزرگ جریان یابد. سپس باید برای استحکام روابط شهر و روستا در یک تعامل اجتماعی - اقتصادی منطقی کوشش شود (شکوئی، حسین، ۱۳۷۳، ص ۳۳۰). البته باید توجه داشت که موفقیت در این زمینه منوط به بازنگری نقش و کارکرد تهران در سطح ملی و تمرکز زدایی از آن در راستای آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای و همچنین منوط به انجام اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - اداری در کشور می‌باشد.

منابع و مآخذ

- ۱- جعفری، حمید رضا، تابستان ۱۳۸۰، «کاربرد سیستماتیک مدل تخریب در ارزیابی اثرات توسعه بر روی حوضه آبخیز سد لتیان»، محیط‌شناسی، شماره ۲۷، صص ۱۱۹-۱۰۹.
- ۲- دبیرخانه علمی کنگره منشور شهر تهران، منشور شهر تهران، اردیبهشت ۱۳۸۰.
- ۳- رفیعیان، مجتبی، ۱۳۷۰، «روابط و اثرات مادر شهر تهران بر مناطق اقماری (مورد: شهریار)»، مجموعه مقالات هفتمین کنگره جغرافیایی ایران، دانشگاه تهران، صص ۱۷۵-۱۵۵.
- ۴- رهنمایی، محمد تقی، بهار ۱۳۶۹، توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۶، صص ۵۳-۲۴.
- ۵- رهنمایی، محمد تقی، ۱۳۷۳، «دولت و شهرنشینی» فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، صص ۲۶-۱۷.
- ۶- سجادی، ژیللا و عزیزاده، کتابون، ۱۳۸۰، «بررسی روابط مکانی فضایی مادرشهرهای منطقه‌ای و مراکز جمعیتی پیرامون آنها (مورد: مادر شهر مشهد و شهر طرکبه)»، علوم زمین، شماره ۴ و ۵، صص ۱۷۵-۱۶۵.
- ۷- سعیدی، عباس، ۱۳۷۷، مبانی جغرافیایی روستایی، انتشارات سمت.
- ۸- شکوئی، حسین، ۱۳۷۳، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت.
- ۹- مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادیهای کشور (استان تهران) در سالهای ۷۵-۱۳۴۵.
- ۱۰- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماریهای نفوس و مسکن استان تهران در سالهای ۷۵-۱۳۴۵.
- ۱۱- نظریان، علی اصغر، بهار ۱۳۷۰، گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرکهای اقماری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۰، صص ۱۳۹-۹۷.
- ۱۲- یاور، احمد رضا، یادداشتی بر لزوم توجه به توسعه پایدار نواحی آسیب‌پذیر کوهستانی در ایران و آسیا، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۹، صص ۱۹۰-۱۷۷.
- 13- Gilg, A.(1989) An introduction to Rural Geography, Edward Arnold.
- 14- Pacione, M. (1985) Rural Geography, Harpper and Row Publishers.
- 15- Sharply, Richard and Jullia (1977) An Introduction to Rural Tourism, International Thomson Business press.
- 16- Stockdale, J. Findiay, A. Short, D. (2000), The Repopulation of Rural Scotland, Opportunity and Threat, Journal of Rural Studies, 16 pp 243-257.